

خطوط خیال

چه قدر زعفران

روی خطوط خیالت ریخته است!

و چه قدر خنده می‌پراکند از گوشه‌های آن...

چشمان من گم شده‌اند

در ازدحام نگاه‌ها

دریا چه قدر آسان قطره‌ها را می‌بلعد!

امروز هم قطره‌های فراوانی

خود را به چار میخ حیرت بسته‌اند

این راز زعفرانی

کدام پیامبر نیامده را

نشانی از معجزه است؟!!